

بنا مرخداوند جان و خرد

آنان که می خواهند که با بهره برداری از بحران جنگ عراق جامعه ما را در تنگنای شدیدتری قرار دهند و آنرا به انسداد کامل سیاسی بکشانند، باید بدانند که ملت ایران هرگز و تحت هیچ شرایطی از تلاش خود برای استقرار حاکمیت ملی و ایجاد جامعه ای آزاد دست بر نخواهد داشت

فهرست مطالب

آنان که می خواهند که با بهره برداری از بحران جنگ عراق جامعه ما را در تنگنای شدیدتری قرار دهند و آنرا به انسداد کامل سیاسی بکشانند، باید بدانند که ملت ایران هرگز و تحت هیچ شرایطی از تلاش خود برای استقرار حاکمیت ملی و ایجاد جامعه ای آزاد دست بر نخواهد داشت

۱
اعلامیه حزب ایران درباره حمله آمریکا و انگلیس به عراق

۲
نگاه اکتونومیست به اوضاع ایران

۳
نگاهی به موضع گیریهای سران آمریکا درباره ایران در جریان جنگ عراق

۴
بودن یا نبودن؟

۵
فراخوان برای ساماندهی کمیته نجات ملی از شرایط بحران

۶
سرنوشت دیکتاتور

۷
مشکل بیکاری و برنامه های دولت

کشورهای نفت خیز فراهم سازد. در عین حال، آمریکا میداند که این کار بدون تشکیل یک دولت مستقل فلسطین امکان پذیر نخواهد بود. از اینرو، شاهد آنیم که در کنار مسئله نفت، سخن از ایجاد تغییرات جغرافیایی در کشورهای نفت خیز منطقه نیز به عنوان انگیزه ای برای این اقدام نظامی یاد می شود. بنابراین، باید گفت که حمله به عراق دارای هدفهای متعددی است که هر یک از آنها از اهمیت بالایی در سیاست جهانی و منطقه ای برخوردار خواهد بود.

اما، آنچه که به آمریکا فرصت داد تا بتواند قطعنامه ۱۴۴۱ را در مورد عراق از تصویب شورای امنیت بگذراند، و سپس با ائتلاف چند کشور دیگر با به میدان جنگ گذارد، چیزی جز عملکرد رژیم فاسد و متجاوز و خونریز و دیکتاتوری عراق نبود که طی نزدیک به سه دهه نه تنها مردم عراق را به اسارت گرفته و آنها را از هر گونه آزادی و حقوق اجتماعی محروم کرده، بلکه با نادیده گرفتن اصول حقوق و تعهدات بین المللی خود، عامل دو جنگ خونین در منطقه شده است، که خامنه و برانگربها و خونریزیهای آن جز برای معدودی صاحبان قدرت، از خامنه هیچ ایرانی، نه از نسل امروز و نه در نسل آینده، زده نخواهد شد. رژیم صدام حسین در عمل مهمترین نقش را در حمایت از سازندگان و صنادیکندگان جنگ افروز در طول این مدت داشته است. بخش عمده ای از درآمدهای نفتی

سراغاز مرحله جدیدی در روابط اروپا و آمریکا در برابر مسایل کلان منطقه خاورمیانه بشمار آورد، بویژه آنکه با انتقادات غیر منتظره آمریکا نسبت به ساختار سیاسی کشورهای عربی خاورمیانه، بویژه عربستان، و با توجه به منابع عمده نفتی آن و همسویی دیرینه اش با آمریکا، می توان گفت که منطقه آبستن حوادث مهمی خواهد بود. این در حالیست که ایران نیز جزو کشورهای محور شرارت نام برده شده، و ترکیه پس از پیروزی حزب توسعه و عدالت در مسیری به نسبت متفاوت با گذشته قرار گرفته است.

اغلب تحلیلگران معتبر، حمله به عراق را بیش از همه چیز به مسئله تسلط بر منابع نفت آن کشور مربوط دانسته اند. طبیعی است که آمریکا و انگلستان با هزینه بسیار گرانی که در این جنگ تحمل خواهند کرد بر آن هستند تا بر دومین منبع بزرگ نفتی جهان تسلط یابند. آمریکا با در اختیار گرفتن نفت عراق، افزون بر نفت عربستان، کویت، امارات و بحرین، از موضعی بسیار قوی تر با کشورهای صنعتی برخورد خواهد کرد. از سوی دیگر، قدرت مانور بیشتری را نسبت به اوپک بدست خواهد آورد. ولی مسایل دیگری چون جنگ اسرائیل و فلسطینی هانیز، با توجه به برنامه های بلند مدت آمریکا در منطقه، از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد. این کشور بر آنست تا به این جنگ قدیمی و فرسایشی پایان بخشد و فرصت حضور گسترده اسرائیل را در اقتصاد منطقه با امکانات مالی

حمله آمریکا و انگلستان به عراق در آخرین روز سال ۸۱ را باید رویدادی بسیار متفاوت شمرد. آن را میتوان سراغاز مرحله جدیدی در روابط سیاسی جهان در آستانه هزاره سوم بشمار آورد. در پی حمله تروریستی یازده سپتامبر که ضربه حیثیتی سنگینی به آمریکا وارد آورد، سیاستگذاران آمریکا به سرعت آنرا به فرصتی برای تثبیت آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان تبدیل ساختند. آمریکا که نقش موثری در پدید آوردن سازمان ملل متحد داشت، با یک مانور هوشمندانه توانست به فاصله دو روز دو قطعنامه مهم را از شورای امنیت بگذراند و با حمایت اغلب کشورهای قدرتمند، حمله به افغانستان را برای سرکوب طالبان و جریان تروریستی القاعده به اجرا گذارد. کار افغانستان هنوز به پایان نرسیده، آمریکا با طرح "محور شرارت" و نام بردن از کره شمالی، عراق و ایران، در یک اقدام نسبتاً سریع و بدون تأیید شورای امنیت، در حالیکه بخش عمده اتحادیه اروپا، روسیه، چین و بیشتر کشورهای عربی منطقه با انجام یک حمله مخالفت داشتند، عراق را مورد حمله قرار داد و در پایان روز شانزدهم توانست تا فرودگاه بین المللی بغداد پیشروی کند. مسایل پرشماری این جنگ در سطح جهانی و منطقه ای رخ نموده که هر یک به جای خود از اهمیت و تفاوتی چشمگیر با رویدادهای مشابه گذشته برخوردار می باشند.

موضع گیری اتحادیه اروپا، بویژه فرانسه و آلمان، در برابر آمریکا را باید

آنان که می خواهند که با بهره برداری از بحران جنگ عراق جامعه ما را در تنگنای شدید تری قرار دهند...

کشورهای منطقه، بعثت و حشش که او در منطقه ایجاد کرده بود، برای خرید جنگ افزار در یک مسابقه تسلیحاتی هزینه شود و در نتیجه کشورهای منطقه از پیشرفت و توسعه باز بمانند. بهانه وجود رژیم صدام عاملی بود تا حاکمیت های کشورهای نفت خیز خاورمیانه، از کوچک و بزرگ، شیوه حکومت دیکتاتوری و سلطه یک اقلیت کوچک را بر ملت هایشان تحمیل کنند و حقوق شهروندی و حق تعیین سرنوشت مردم خود نادیده بگیرند و جو خفقان را در سرزمین های خود حاکم نمایند.

با چنین کارنامه ای، بدیهی است که هیچ فرد و گروهی بخود اجازه نمی دهد برای صدام و دستیارانش دل بسوزاند. واکنش افکار عمومی جهان در برابر حمله به عراق نه برای حمایت و حفظ رژیم سیاسی صدام بلکه بخاطر مردم زیر ستم عراق است که در آرایش نیروهای دفاعی عراق، صدام برای کمین طولانی بز کردن بغای خود، از ملت عراق به عنوان سپر انسانی استفاده می کند تا پایان جنگ به قیمت جان مردم به درازا بکشاند.

در جریان جنگ عراق، بار دیگر شاهد عملکرد یکسویه رسانه های تبلیغاتی ایران، بویژه رادیو و تلویزیون می باشیم که اخبار را انگار از دهان رژیم صدام حسین بخش می کنند و در عمده تحلیل هایشان نشانی از طرح منافع ملی ایران و چگونگی پاسداری از آنها دیده نشده است. در حالیکه می بینیم ترکیه چگونه به چانه زنی می پردازد و چگونه می کوشد تا برای کسب منافع ملی نیروهایش را روانه عراق سازد و کرکوک و موصل را تصرف کند. حتی یک بار هم شاهد آن نبوده ایم که از این رسانه های ما هشدار داده شود که اگر پای یک سرباز ترکیه به عراق برسد، ایران نیز برای دفاع از باشندگان کرد باید به حمایت موثر و فوری دست بزند. ترکیه هوشمندانه از بحران استفاده کرده و تا اینجا دستکم بدون هیچ خسارتی صاحب یک میلیارد دلار کمک مالی و تضمین مشارکت در بازسازی فردای عراق شده است. این بدان معنی است که در ساختار حکومت پس از صدام، ترکیه به عنوان یک قدرت حضور خواهد داشت که در تحکیم موقعیت او در منطقه بسیار موثر خواهد بود. ولی ما چه کرده ایم و به کجا می رویم؟ جز آنکه حاکمیت، بر خلاف منافع ملی، حتی پیگیری موضوع مهم گرفتن غرامت جنگی از عراق را نادیده انگاشته و از پیگیری آن در سازمان ملل کوتاهی کرده است. موضوعی که بجا داشت، یا توجه به شرایط موجود، بشدت مورد تعقیب قرار گیرد.

ولی در کشور ما امروز فقط سخن این است که امکان دارد، یا توجه به اوضاع آینده عراق، حاکمیت شرایط بسیار بسته تر امنیتی را بر جامعه حاکم سازد، و برخی بر این باورند که کشور در رستای انسداد سیاسی کاملی پیش برده خواهد شد. ما معتقدیم که شرایط امروز جهان و بویژه بحران شدید ژوئی نظیر منطقه ظرفیت آنرا ندارد که، با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در میان دو جبهه نبرد در خاور و باختر کشور (افغانستان و عراق)، و نیز واقع بودن بین دو منطقه بسیار مهم انرژی جهان در شمال و جنوب کشور، حاکمیت بتواند همچنان به بحران آفرینی ها ادامه دهد و کشور را برای تثبیت موقعیت خود در کام آتش فروبرد.

جبهه ملی ایران بر این باور است که زمان برای استقرار هر چه سریعتر یک ساختار سیاسی متکی بر خواست ملت، جامعه ای برکنار از سلطه گری و با تأکید بر حقوق شهروندی و پاسداری آزادی فرا رسیده و جا دارد تا با تغییرات بنیادین بوسیله مراجعه به رای ملت، حاکمیت ملی در ایران استقرار یابد، باشد که نوظهور های بیرون مرزی که چندین سال است برای لطمه زدن به یکپارچگی جغرافیایی، همبستگی ملی و استقلال ایران، که زیر لوای تجزیه ملت یکپارچه ایران به ملیت ها و خلق های مختلف (۲) در جریان است، در هم شکسته شود و همه باشندگان این سرزمین آهورایی با آیین ها و زبانها و گویش های مختلف چون هزاران سال گذشته، در کنار هم و در پیوند با میراث فرهنگ توانای این سرزمین، از کبان و سربلندی میهن خویش پاسداری کنند و در راه توسعه و پیشرفت کنند و جایگاه شایسته خود را در نظام جهانی باز یابند. ما باید اهمیت نکیه بر پدیده دولت ملت را که در طی هزاران سال از آن برخوردار بوده ایم به مردم افغانستان و عراق نشان بدهیم، تا هر دو سرزمین از جامعه تکه تکه شدن به بهانه حفظ هویت قومی دور بمانند و به بیگانگان فرصت آنرا ندهند استقلال کشور هایشان و همبستگی ملت هایشان را پایزچه مطامع خود سازند و آنها را به ویرانه های امروز تبدیل کنند.

تاسیس اردیبهشت ۱۳۳۲

حزب ایران
تاریخ: ۸۷۷۱۰

بنام خداوند جان و خرد

بیام به هم عهدیمان عزیز و همداران به زمامداران

پس از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، نزدیک به ربع قرن است که دیلماسی جمهوری اسلامی ایران خود را پرچمدار مخالفت با امریکا نشان داده است. چنین سیاستی در پادی امر با توجه به سابقه عملکرد دولت امریکا در کودتای انگلیسی امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق، قهرمان مبارزه ضد استعمار، و همچنین پشتیبانی بی دریغ و همه جانبه امریکا از دولت نژاد پرست، متجاوز و صهیونیست اسرائیل در مقابله با ملت مظلوم فلسطین و کشتار مسلمانان بی پناه طبیعی می نمود.

در آن تاریخ با وجود این قدرت شوروی در شمال ایران، امریکا بخود اجازه نمی داد تا یک جانبه عمل نموده و با از قدرت نظامی استفاده نماید. با فروپاشی شوروی و گرفتار شدن دولت روسیه در مشکلات و ابوضاع سیاسی داخلی کشور خود، نفوذ سیاسی دولت امریکا در خاور میانه و ایران با وجود تکیه گاه و سربلندی مانند کشور اسرائیل افزایش یافت، بگونه ای که در عکس العمل به روش دولت وقت ایران انواع مضیق سیاسی و تحریمهای اقتصادی از طرف دولت امریکا هم فکرتش دربار امریکا اعمال گردید تا آنجا که دیورش تا جوامع دانه و بی دلیل سال ۱۹۸۰ صدام حسین رئیس جمهور عراق به ایران که از مدتها نقشه تسخیر خوزستان را در سرپروراند بود، نه تنها اعتراض نمودند بلکه، باستناد مدارک منتشر شده، با تاذن انواع سلاحهای مستور و مخرب مانند سلاحهای شیمیایی به عراق، صدام حسین را در جنگ با ایران تشویق و تقویت کردند.

بر آگاهان سیاسی و تحلیلگران بحرانهای جهانی مسلم بود که تجاوزات بی دریغ و سلفه گری شورانه صدام حسین روزی بهترین فرصت را برای قدرتمندان جهان فراهم خواهد ساخت تا به بهانه امحای سلاحهای کشتار جمعی و سرکوب تروریسم و دیکتاتوری، ولی در حقیقت به منظور تحکیم و استقرار استراتژی جهانی و طولیل المدت خود به جهانیان اعلام نمایند که با لشکر کشی عظیم به عراق میخوانند ملتی را از زیر ستم و خشونت چندین ساله حاکمی متجاوز و دشمن بشر و هلی بکشند.

هر چند دولت امریکا ماهها پس از صدور قطعنامه ۱۳۲۱ در اعزام و ماموریت هیات بازرسان سازمان ملل به عراق به منظور بررسی وجود سلاحهای کشتار جمعی و شیمیایی و امحای آن و با احتمال بنین از وجود آنها فرصت اتمام ماموریت بازرسان را نداد و منتظر کسب مجوز از شورای امنیت نماند و سرانجام و متاسفانه با حمله نظامی آتش جنگ و خشونت را همراه با همکاری دیرین خود انگلستان برانگیزد که لیبی آن در همسایگی دیوار به دیوار ما شعله ور شده و در حال گسترش است، و حضور نیروهای خود را در خلیج فارس و حول و حوش مرز های ما متمرکز کرده اند.

لهفیدات و خط و نشان کشیدن های مکرر امریکا ما را آنگر ان نموده و به انتشار این هشدار به رئیس جمهوری و زمامداران و حاکمیت کشور وادار می نماید تا به منظور حفظ تعامیت کشور،

۱- به حکم عقل و ضرورت و قبل از آنکه رفتار عزت شکنی ایجاد شود، نباید با یادآوری کینه های دیرین، که در تدبیر سیاسی محلی ندارد، عتاز سرنوشت را بدست امواج احساسات عمومی سپرد. باید در سیاست امریکا مستوی تامل نمود و از تبلیغ و شعاری که مقدمات ملت امریکا را جریحه دار سازد خودداری کرد تا بهانه ای به دست جنگ آفریزان داده نشود و کشور در معرض خطر قرار نگیرد.

۲- در هم آوایی و مظلوم نمایی حکومت بعث عراق و صدام حسین نباید آثار شوم و زهر آلود هشت سال جنگ ناخواسته را که در آن حدود یک میلیون جوان ایرانی به فجیع ترین وضع جان خود را از دست دادند، که هنوز آثار شوم آن باقی است، و حدود یک میلیون معقول جنگی بر جای گذاشته و دیناری از غرامات ما را نبرداخته است، به دست فراموشی سپرده شود.

۳- امروز بیش از هر وقت، با شرایط دشواری که پیش روی ملت، اقتضا دارد حاکمیت ایران مضایق و محدودیت های مطبوعات و احزاب ملی ریشه دار، از جمله حزب ایران را که سابقه مبارزاتی ملی ۵۸ ساله دارد و خدمات موثری در ملی کردن صنعت نفت، برچیدن تسلط بانک شاهي، ملی کردن شیلات شمال، تعدیل سهم زراعت و مالک و بستناری موارد دیگر دارد، بر طرف نماید و اجازه فعالیت علمی و تاسیس باشگاه و انتشار روزنامه داده شود، تا مردم هوشمند و بیدار دل ایران در چنین شرایط بحرانی با رایزنی به انجام وظایف ملی خود بپردازند.

جاوید یاد ایران
شورای مرکزی حزب ایران

نگاه اکونومیست به اوضاع ایران

مجله معروف اکونومیست چاپ لندن، در شماره ۲۴۱۸ ژانویه ۲۰۰۳، خود بخش ویژه‌ای را به تحلیل جنبه‌های مختلف اوضاع ایران اختصاص داده است که به اعتباری میتوان آنرا بازتاب محافل نزدیک به تعیین‌کنندگان استراتژی انگلستان بشمار آورد. از اینرو بی‌مناسبت ندیدیم که ترجمه فشرده‌ای از بخشهای مختلف این نوشته مفصل را بدون اظهار نظر درباره مواضع مطرح شده در آن به آگاهی خوانندگان گرفتار خود برسانیم.

استدلال اصلی این بخش آن است که اگر هم کنترل دو گانه دسسالاری و دین ممکن باشد، در ایران پایدار نخواهد بود. فصل پایانی آزمایشات اله خمینی در زمینه مردمسالاری دینی با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ آغاز شد. هر چند شیوه‌های محافظه کاران و اصلاح طلبان (استفاده از این اصطلاحات تقریبی است) با یکدیگر تعارض دارد اما هر دو گروه از آن زمان تاکنون در تلاش بوده‌اند که از این پایان اجتناب ورزند. تقریباً تمام جنبه‌های سیاست ایران که از سوی حکام کنونی شکل گرفته دچار شکست است. چون حاکمان ایران می‌خواهند بسیاری از عرصه‌های حیات شهروندان را، چه عمومی و چه خصوصی و چه لاهوتی و چه دنیوی کنترل کنند، این شکست بسیار گسترده است. تنها موارد استثناء چند برنامه دولت انتخابی است که از سوی عناصر غیر انتخابی خراب نشده‌اند.

مقاله اول این بخش تحت عنوان "حکومت خدا یا قانون" درباره کاهش علاقه مردم به نمادهای انقلاب و حکومت سخن می‌گوید. این کاهش علاقه تجلی ناتوانی تقریباً کامل حکومت است. علت ظاهری این ناتوانی مبارزه جاری بر سر قدرت میان نیروهای درون حاکمیت است. اما علت اصلی تر آن تضادهای موجود میان مبانی حکومتی مذهبی و مردمسالاری مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. بی‌شک پس از بیست و سه سال که از انقلاب می‌گذرد، کاملاً معلوم شده که نمی‌توان کشور را با وجود دو زمام دار، یکی نماینده منتخب مردم و دیگری نماینده خودخوانده خدا، اداره کرد. دولت خاتمی که در دو انتخابات با اکثریت آرا برگزیده شده است با اینکه اصلاحات را شعار قرار داده، در عمل نتوانسته است تغییرات زیادی را موجب گردد. محافظه کاران بطور مؤثری جلوی حرکت اردوگاه خاتمی را گرفته‌اند. ابزار اصلی محافظه کاران قوه قضائیه یعنی مجری احکام شریعت و قوای نظامی از جمله سپاه پاسداران، بسیج و نیروهای فشار هستند. همچنین قدرت روحانیان از طریق شورای نگهبان که مسئول مطابقت مصوبات مجلس با احکام شریعت و قانون اساسی و دارای حق وتو است تحکیم می‌شود. این مرجع بر انتخابات نیز نظارت دارد و می‌تواند از نامزدها رد صلاحیت کند.

مقاله دوم به پیچیدگی دسته‌بندیهای سیاسی ایران می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که بسته به موضوع (مثلاً روابط خارجی یا آزادیهای مدنی) فرد ممکن است در اردوگاههای سیاسی متفاوتی قرار گیرد چون وضعیت احزاب مشخص نیست نظرات و فلسفه‌ها مهمتر هستند. از این میان می‌توان به دیدگاههای سروروش، آیت‌الله منتظری و آیت‌الله صائمی و سخنان آیت‌الله طاهری اشاره نمود که نظریه ولایت فقیه را به چالش می‌کشند. خود مفهوم ولایت فقیه که قدرت بسیار زیادی (حتی بیشتر از قدرت شاه در نظام پیشین) به رهبر می‌دهد به دلیل ناکامل دانستن صلاحیتهای آیت‌الله خامنه‌ای دچار اشکال است.

مقاله دیگر به محدودیتهای اجتماعی ویژه برای جوانان می‌پردازد. هر چند این محدودیتهای بطور چشم‌گیری کاهش یافته‌اند، اما نیروهای انتظامی همچنان می‌توانند هر لحظه که اراده کنند در زندگی اجتماعی و خصوصی مردم دخالت کنند. اما مهمتر از آن محدودیت فعالیتهای آزاداندیشان است.

در مقاله دیگری تحت عنوان "تفرین غریزدگی" به این نکته اشاره می‌شود که با

گسترش شهرنشینی و مدرنسازی، جامعه با مسایل و امراض اجتماعی گوناگونی دست به گریبان شده است. از میان امراض می‌توان گسترش بی‌رویه شهرنشینی و جنفیت که خود موجب آلودگی محیط زیست، تکلیف و خدمت به شهریه کوچک مسکن و حاشیه‌نشینی، گسترش اعتیاد و فحشا و افزایش کودکان خیابانی را نام برد. در حوزه مسایل اجتماعی، تغییر وضعیت زنان در جامعه بویژه از طریق گسترش آموزش، نقش نوین و ارتقای وضعیت اشتغال را برای این نیمه جامعه می‌طلبد که پرداختن به آن تاکنون از عهده دولت خارج بوده است.

مقاله دیگر بر مشکلات اقتصادی ایران و نقش کانونی نفت تکیه دارد. هر چند در یکی دو سال اخیر اقتصاد ایران ترخ رشد نسبتاً بالایی داشته اما تکیه بر درآمد نفت همچنان یکی از مشکلات اصلی باقی مانده است.

در مقاله‌ای تحت عنوان "گیر کردن در محور شرارت" گفته می‌شود که بجای منطقی، حزم اندیشی سیاست خارجی ایران را تعیین می‌کند. از مشکلات اصلی مناسبات خارجی ایران، روابط با آمریکا است. آمریکا ایران را به حمایت از تروریسم متهم می‌کند و بر این عقیده است که ایران در پی دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی از جمله بمب اتمی است. ایران اتهامات را رد می‌کند...

هر چند که ایران در مسأله افغانستان نقش بسیار مثبتی را بازی کرد اما دولت جرج بوش اعمال مثبت ایران را با وارد کردن ایران در فهرست اعضای "محور شرارت" پاسخ گفت. این پاسخ آمریکا دلایل گوناگونی دارد. اما شاید بتوان گفت که افرادی در دولت آمریکا مانند بسیاری از دانشجویان ایران از دولت خاتمی قطع امید کرده‌اند. دولت آمریکا اکنون حساب مردم و دولت ایران را از هم جدا کرده است و حمایت خود را از اولی و مخالفت خود را با دومی اعلام نموده. در خود ایران واقعیت این است که نظرسنجیهای اخیر نشان داده است که اکثر مردم موافق روابط با آمریکا هستند. نکته دیگر حمله آتی آمریکا به عراق است. ایران می‌تواند مانند مورد افغانستان در زمینه عراق نیز نقش مثبتی ایفا کند. اما بدون شکه اینبار توقع امتیاز خواهد داشت.

در آخرین مقاله بخش ویژه این پرسش عنوان می‌شود که عاقبت همه این تحولات چیست. پاسخ قاطعانه این است که سرانجام مردم سالاری عرفی در ایران استقرار خواهد یافت اما زمان و چگونگی معلوم نیست. اگر محافظه کاران نقششان را خوب بازی نکنند مسأله لایحه تبیین اختیارات رییس جمهور ممکن است موجب بحران گردد. اما اگر هم خاتمی از این مبارزه پیروز بیرون آید باز تضمینی برای استقرار نظام عرفی وجود نخواهد داشت چون خاتمی خود معتقد به نظام مذهبی است. ممکن است عوامل خارجی مثلاً استقرار دولت مردم سالار در عراق بر مسایل داخلی ایران تاثیر بگذارد. فشار آمریکا و سقوط قیمت نفت از دیگر عوامل هستند. قدر مسلم این است که مردم ایران انقلاب دیگری نمی‌خواهند. اما مسأله اصلی که نظام را تهدید می‌کند اقتصادی است. بیکاری و رشد جمعیت، عامل دیگر همین مردم سالاری ناقص است که مردم را به پای صندوقهای رای آورده است و مطالبات آنها را افزایش داده. ممکن است عاقبت نخستین قانون اساسی یعنی قانون اساسی مشروطه پایه قانون اساسی جدید ایران گردد. مردم کشور به لحاظ فیزی و فرهنگی همچنان مسلمان باقی خواهند ماند، یعنی ممکن است فضا برای وجود نوعی نهاد دینی جهت نقد قوانین مصوب نمایندگان مردم همچنان وجود داشته باشد. اما اگر بخت یار باشد نقش این نهاد تها مشورتی خواهد بود. در هر صورت تا آن زمان مبارزه بر سر قدرت می‌باید همچنان ادامه یابد. ممکن است این مبارزه طولانی و تلخ باشد و یا کوتاه و شیرین. قدر مسلم اینکه تنها مردم ایران می‌توانند این آینده را تعیین کنند.

نگاهی به موضع گیریهای سران آمریکا درباره ایران در جریان جنگ عراق

گزارش زیر تنها گوشه ای از موارد طرح شده از سوی مقامات رسمی و رسانه های ایالات متحده آمریکا علیه ایران در ۲۴ ساعت گذشته را پوشش می دهد. دیدک چنی سیاستمدار متنفذ آمریکایی و معاون ریاست جمهوری این کشور، روز گذشته تاکید کرد ایالات متحده آمریکا باید با تمام قدرت با تروریسم و کشورهای حامی آن مقابله نماید. جمهوری اسلامی ایران کشوری است که وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا نام آن را در صدر فهرست دولتهای حامی تروریسم جهان قرار داده است. جدیدترین گزارش سیا به کنگره، به نظر می رسد، نیمی از گزارش فقط به فعالیت های ایران در تولید سلاحهای کشتار جمعی هسته ای - شیمیایی و بیولوژیک اختصاص یافته است و اکنون ایران نخستین کشور مهم به تلاش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی است. سیا با صراحت در گزارش امروز خود چنین آورده است:

"نقش روسیه در کمک به ایران برای تکمیل پروژه های هسته ای، توانایی تهران برای حمایت از برنامه گسترش سلاحهای هسته ای را به روشنی تقویت می کند. علیرغم ادعای ایران در پذیرش پیمان منع تکثیر سلاحهای هسته ای - سیا و ایالات متحده آمریکا اطمینان دارند تهران همچنان برای دستیابی به سلاحهای هسته ای تلاش می کند.

به بهانه تکمیل یک نیروگاه داخلی هسته ای، این کشور توانایی تولید سوخت لازم برای شکافت هسته ای مورد نیاز در برنامه تسلیحاتی خود را داراست. ایران همچنین به انکای وجود جماهیر شوروی سابق، چین و کره شمالی در مسیر خودکفایی برای تولید موشکهای بالستیک حرکت کرده است. قرآن همچنین نشان می دهد که ایران به شدت برنامه تولید موشکهای بالستیک با برد بیشتر را دنبال می کند. علیرغم مشارکت ایران در کنوانسیون منع سلاحهای شیمیایی، ایرانیان به کمک چین برنامه هایی برای ارتقاء توانایی فن آوری و آموزشی راپی می گیرند که به تولید گاز اصاب می گنجاند.

ایران همچنین توجه خود را به تامین مواد با کاربری دوگانه از کشورهای نژوهای شرقی معطوف نموده است. این مواد می توانند برای پیشبرد یک سلاح میکروبی تهاجمی بکار گرفته شوند. وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا و نمایندگان آن کشور با اعطای هر نوع کمک از سوی بانک جهانی به ایران به شدت مخالفت خواهند کرد.

دیروز پنجشنبه وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا اعلام کرد بدلیل شرایط نابسامان اقتصادی و سیاسی در کشور ایران با اعطای هر نوع کمک از سوی بانک جهانی و صندوق توسعه به ایران مخالفت خواهد کرد. همچنین سناتور براد شرمین - از اعضاء متنفذ کمسیون

اقتصادی مجلس نمایندگان نیز، از رئیس جمهوری، وزیر خارجه و سنا درخواست نمود مانع اعطای کمک ۷۵۰ میلیون دلاری بانک جهانی به تهران گردند. تونی فراتو سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا به صراحت شرایط نابسامان اقتصادی سیاسی در ایران را موجب ابهام در کارایی و تاثیر هر نوع کمک اقتصادی به این کشور دانست. لازم به یادآوری است ایالات متحده آمریکا، بزرگترین و بانفوذترین سهامدار بانک جهانی، ناچار از مخالفت با کلیه درخواستهای ایران برای وام از نهادهای پولی بین المللی می باشد چراکه کنگره ایالات متحده از تمام کارگزاران و نمایندگان آمریکا خواسته است بدلیل نگرانیهای جدی مربوط به حمایت ایران از تروریسم و همچنین نقض حقوق بشر، با زای نه مانع از تحقق مطالبات ایران در نهادهای پولی بین المللی گردند.

لس آنجلس تایمز: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاشهای خود را برای ایجاد تفرقه در بین گروههای معارض عراقی آغاز نموده است.

منابع معتبر نزدیک به مخالفان صدام در عراق می گویند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاشهای خود را برای ایجاد تفرقه و اختلاف میان صفوف دو گروه عمده از معارضین شیعه صدام یعنی "حزب الدعوة" و "مجلس اعلائی انقلاب اسلامی" آغاز نموده است.

منبع عراقی عقیده دارند ایران علاوه بر تشویق معارضان به خروج از آندسته گروههای عراقی مستقل از نفوذ ایران، شماری از اعضای منشعب گروههای فوق را در کمپنهایی واقع در یکی از استانهای شمالی ایران، تجهیز مالی و تسلیحاتی نموده است. آنان همچنین اظهار داشته اند، نیروهای تندرو در ایران مشغول تجهیز، سازمان "حزب الله عراق" می باشند که برای سالها هیچگونه فعالیتی نداشته است آنان یکی از اعضای عراقی اما ایرانی الاصل سپاه پاسداران به نام علا سلیمانیان را فردی می دانند که مأمور سازماندهی تشکیلاتی "حزب الله عراق" گردیده است.

تحلیلگران انگیزه واقعی تندروهای جمهوری اسلامی برای ایجاد تشنج در عراق را هراس ایشان از رویدادهایی می دانند که در دوران حضور نظامی ایالات متحده و بریتانیا در عراق گریبانگیر جمهوری اسلامی ایران خواهد گردید. درست برخلاف آنچه تندروها در تهران آرزو می کنند بسیاری از احزاب عراقی بیشتر مایل به نرمش و ارائه یک رفتار عقلانی در واکنش به رویدادهای جاری می باشند ابواللاد ادیب یکی از اعضای بانفوذ حزب الدعوة در تهران گفته است اگر چه ما منتقد وهبری یک جانبه ایالات متحده آمریکا بر عراق می باشیم، اما یقینا دست به اقداماتی که منافع مردم عراق را بخاطر اندازد، نخواهیم زد. به تازگی یکی از مقامات بلندپایه اصلاح طلب در ایران نیز تایید کرده است: "محافظه کاران هدفی جز تحریک

ایالات متحده آمریکا علیه ایران ندارند."

پاسفیک نیوز

همه شواهد حاکیست، ایرانیان برای جنگ با ایالات متحده آماده می شوند.

ویلیام بیمن مدیر مطالعات خاورمیانه دانشگاه براون ضمن درج مقاله ای در پاسفیک نیوز عقیده دارد، "حمله ایالات متحده آمریکا به ایران یقینا پرهزینه تر و پیچیده تر از عملیات نظامی علیه عراق خواهد بود چرا که ایران کشوری است با وسعتی چهار برابر و جمعیتی چهار برابر عراق و سلسله کوهها و همچنین صحرایی که ایالات متحده را در جنگ زمینی با مشکل مواجه خواهد ساخت و به نظر می رسد جمعیت جوان کشور از آمادگی تامین یک نیروی نظامی ۱۰ میلیون نفری مرکب از مردان بر خوردار باشد. اخیرا فرمانده ارتش ایران ژنرال سلیمی از نیروهای تحت امر خویش خواسته است خود را برای پاسخگویی به هر نوع تهدید خارجی آماده کند. در همین حال، سخنگوی وزارت خارجه ایران حمید رضا آصفی نیز اعلام داشته است، (ما اعتنایی به تهدید نظامی ایالات متحده نداریم، اما اظهارات آصفی را می بایست در واقع چنین دانست، ایران به شدت نگران تهدیدهای ایالات متحده آمریکا می باشد.)

ایرانیان به تازگی وزیر دفاع بریتانیا را تحت فشار قرار دادند تا نظر خود را نسبت به عملیات نظامی احتمالی ایالات متحده علیه ایران اعلام دارد، "هون" از وجود چنین طرحی در بریتانیا، ابراز بی اطلاعی کرد اما گزارش می شود در کاخ سفید، از هم اکنون مباحث و اختلافاتی پیرامون حمله نظامی به ایران بروز کرده است، گفته می شود از یکسو دفتر "Douglas Feith" یعنی "Defense for Policy" - Undersecretary of "USDP" طرحهایی را برای حمله به ایران و سوریه آماده کرده است و از سوی دیگر کوندالیزا رایس مشاور امنیت ملی رئیس جمهور مخالف هر نوع عملیات نظامی در خاورمیانه است.

در هفته نخست آوریل نیز ۲۵۰ پرسش شوندگان آمریکایی یک نظرخواهی توسط لس آنجلس تایمز موافقت خود را با اقدام نظامی علیه ایران، در صورت ادامه برنامه سلاحهای هسته ای آن کشور، اعلام داشتند، بدون توجه به آنکه ایران در حال حاضر هیچ سلاح هسته ای در اختیار ندارد و همچنین بیمن منع گسترش این سلاحها را نیز امضاء نموده است.

نیروگاه هسته ای بوشهر در جنوب ایران احتمالا نخستین هدف مشخص در صورت دیگری نظامی ایالات متحده و ایران خواهد بود، چنانچه دیگر روزنامه نگاری که برای بنیاد بلونا در ترویز بنویسد عقیده دارد، اگر چه حمله به بوشهر بر روابط روسیه و ایالات متحده تاثیر منفی خواهد گذاشت، اما مقامات روسی و آمریکایی عقیده دارند حمله به نیروگاه بوشهر می تواند در قالب یک "حادثه تصادفی" انجام پذیرد.

که تا در قانون اساسی کشور بازنگری صورت نگیرد دست از لجاجت و عناد با مردم بر نخواهند داشت. برای آشنایی دقیق تر با دستاوردهای قوه قضائیه نیز لطفاً به شماره های ۷۲، ۸۲، ۸۸، ۹۱، ۹۳، ۹۵ مراجعه نمایید. امروز در جهانی زندگی میکنیم که آمریکا با استفاده از دو مقوله مبارزه با تروریسم و مبارزه با استبداد با تمام قدرت به دفع دولتهائی میبرد از که چنین راهکارهائی را پیش گرفته اند.

ضرورت آگاهی دادن به قدرت، در حالیکه خطوط دفاعی دولت عراق یکی پس از دیگری فرو میریخت و سربازان آمریکائی مشغول تصرف فرودگاه بغداد بودند، مقاومت مردمی ولی غیر مسلح در شهر مقدس نجف و به منظور دفاع از حرم حضرت علی (ع) پیروز شد. سربازان آمریکائی با تردید و دلهره ولی گام عقب نشستند و از تصرف و حتی از بازرسی این مکان مقدس نیز منصرف شدند. آیا میتوان با زبان انگلیسی دست و پا شکسته ای نظیر آنچه که متدینین نجف در برابر سربازان خارجی میگفتند: *no Imam Ali, ma nizi yegonim Iran Zamin, nol*؟ پاسخ من آری است، اما

بشرطی که ترکیبی از خرد و احسان را در هم آمیزیم و فقط به یکی از آن دو بها ندهیم. یحمد الله احساسات مذهبی بعد کافی در ایران وجود دارد، ولی ابتدا لازم نیست صبر کنیم تا آقای بوش با پشتوانه ارتشش برای ما استبدلال بیاورد. خودمان هم میتوانیم بسادگی بفهمیم که خردمندانه نیست از بیت المال به عده ای حقوق بدهیم تا برای ایران قانون بنویسند و در عین حال به عده دیگری مواجب

بدهیم تا همه آنچه را گروه اول نوشته اند باطل نمایند، و این سناریو که بیشتر به داستانهائی ملا نصرالدین شباهت دارد تا به یک ملت دارای تمدن، برای همیشه ادامه پیدا کند.

اگر سقوط هواپیماها گناه ناشی از خطای انسانی و گناه بعثت فرسودگی هواپیماست، سقوط کشورها همیشه ناشی از خطای انسانی است. در هر چهره مقتدر، سلطه گر و رعب انگیز ابتدا یک تماس بشری دلچسب و مطلوب ظاهر میشود و آنگاه تدریجاً جای خود را به مطالبه اطاعت بی چون و چرا وامیهد. گمان میکردیم که با از بین رفتن نظام پادشاهی، سلطه نیز از بین برود، اما متأسفانه امروز شاهدیم که سلطه بجای از بین رفتن شدید تر و بشیوه دیگری ظاهر شده است. غافل از آنکه مردم ما آنچنان پالیده اند که دیگر نیازی به نیروی ذهنی و جماعت یا پر خاش آقا بالا سری ندارند و در برابر نظارت های زائد و تعیین تکلیف سردمداران و اکتش نشان میدهند. مردم ما امروز قادرند فراتر از مرزهایی که حاکمیت برایشان تعیین کرده چیزهایی را ببینند و از اینکه زیر سلطه قرار گرفته اند احساس خشم نمایند. دو ابزار و اندام مولد و ویروس سلطه در فضای سیاسی ایران عبارتند از قوه قضائیه و شورای نگهبان که برای بقا و سلامت میهن ما نیاز به جراحی دارند. البته بدیهی است که عمل جراحی دردناک است و تحمل آن بناچار، اما انسان برای بقا گاه مجبور است از خیر پاره ای اندامهای دچار عفونت بگذرد چرا که بقول ویلیام شکسپیر: **بودن یا نبودن، مسأله اینست**

هر از گمان زنده برای بقا نیاز به انطباق شرایط خود با محیط زیست دارد. امروز محیط زیست سخاوتمیانه بسرعت در حال دگرگونی است و ایران که میتوانست از سال ۷۶ رهبری تحولات مردم سالارانه را در منطقه و حتی فراتر از آن در جهان اسلام بعهده گیرد، متأسفانه با دنباله روی و پیگیری سیاست های دگم و سرکوبگرانه از نوع عربستان سعودی، تبدیل به یکی از دو کشور باقیمانده که هنوز برای انطباق با شرایط تازه منطقه و جهان پا به پا میکند و هیچ گام شایسته ای در جهت نمایش خرد و ابراز بلوغ سیاسی خود بر نداشته تبدیل شده است. بقیه کشورهای منطقه، هر کدام در جهت گسترش آزادیهای انسانی بشرخ زیراز درون دست به اقداماتی زده اند که آزادی مطبوعات در کویت، تشکیل سازمان دفاع از حقوق بشر در قطر، اصلاحات در ساختار سیاسی بحرین و ارتقاء اختیارات مجلس ملی در عمان از آن جمله اند؛ دو کشور افغانستان و عراق نیز با اتخاذ روشهای کاملاً غلط و ابلهانه اجازه داده اند که اصلاحات، هر چند که ظاهری و فاقد درون مایه، ولی از خارج و به زور اسلحه بر آنها تحمیل شود و انتظاری جز اینهم نمیرفت. اما ایران، در

آخرین انتخابات ریاست جمهوری، ۱۴ میلیون ایرانی، و در انتخابات شوراهای ۲۲ میلیون هم وطن، با امتناع از شرکت در انتخابات ژرفای نارضایتی گسترده و رو به افزایش خود را از شیوه های جاری اداره امور کشور به نمایش گذاشتند. عرصه سیاست باید عرصه گفتگو، معامله، و تقسیم قدرت باشد که

میتوان از این راه مسایل جامعه را بدون خشونت حل کرد. استفاده از خشونت و سوء استفاده از دین و قانون بعنوان حربه و ابزار جنگی نه تنها بخشی از زندگی سیاسی بشمار نمی رود، بلکه بیانگر شکست کامل سیاست است. سیاست امروز با طرح این درخواست که با همه افراد بطور برابر رفتار شود میتواند ریشه های تنش اجتماعی را که نظم جامعه را تهدید میکند بخشکاند. شهروندی با سلطه گری ناسازگار است، خواه سرچشمه سلطه حکومت، باشد خواه حوزه علمیه و یا حتی خانواده. همه میپذیرند که اقتدار پدر و مادر در رشد شایسته کودک موثر است ولی اگر این اقتدار در سن بزرگسالی همچنان ادامه یابد خطر بسیاری وجود دارد که فرد را به پرده ای مطیع و یاب از آن سو، موجودی خشن و پرخاشگر تبدیل نمایند. نگذارید ترس از اقتدار به ترس از توده های فریب خورده بدل شود. قدرت شورای نگهبان در ایران برابر است با حق وتوی پنج قدرت در شورای امنیت سازمان ملل، اما اگر میخواهید بدانید از این حجم عظیم و باوزن نکردنی قدرت تا بحال چه چیزی بیرون تراویده میتوانید به مقالات "مجلس شجاع باش" و "کارنامه مجلس" مندرج در شماره های ۷۹ و ۱۱۲ پیام جبهه ملی مراجعه کنید. ضمن آنکه در تاریخ ۱۲ فروردین ۸۲ نیز با کشف ۲۶ مورد خلاف قانون اساسی و مغایرت با شرع در قانون جدید انتخابات آخرین لگد محکم را بسوی مردم سالاری در حال پیدایش ایران پرتاب کردند و با صدایی رسا این پیام را رساندند

بودن یا نبودن؟

هرمز ممیزی

فراخوان برای ساماندهی کمیته نجات ملی از شرایط بحران

با سقوط شهر نکرین، میتوان گفت که مرحله اصلی جنگ در عراق پایان گرفت و رژیم وحشت آفرین و متجاوز و سلطه گر صدام حسین سرانجام، با بهای سنگینی که مردم عراق پرداختند، از غیاب برداشته شد. امروز، در بخش های مختلفی از عراق که نزدیک سه دهه بازپس قدرت طلبی صدام و حزب بعث بوده اند و با سخت ترین شرایط دست و پنجه نرم می کرده اند، و امروز در میان آتش و خون و غارت روزگاری در دناک رومی گذراندند. اکنون در انتظارند تا نیروهای مهاجم آمریکا و انگلستان،

امتیازشان را در شهرها و روستاهای ویران شده تأمین کنند و امکاناتی را برای ادامه زیست و نجات زخمیان و خدمات ضروری دیگر در اختیارشان قرار دهند و برای فرادستان تصمیم بگیرند. آشفتگی شدید اوضاع در سراسر عراق، حتی در شهرهایی چون نجف و کربلا که مراکز عمده شیعیان است، چنانست که به سختی می توان از نقش مردم عراق در تعیین سرنوشت خود سخن گفت. به نظر نمی رسد که جزیانهای مخالف رژیم صدام، حتی در مرحله حساس و دردناک کنونی، بتوانند به توافق موثر دست یابند و قادر باشند تا دولت موقت توانایی را تشکیل دهند. هنوز همه چیز در حاله ای از ابهام قرار دارد، ولی آنچه محقق می باشد این است که بر اثر استقرار یک رژیم سلطه گر سفاک در طول سه دهه در آن سرزمین که جز وحشت و ترور و به بند کشیدن آزادی هیچ چیز

دیگر را برای مردم عراق به ارمغان نیاورده، امروز سرزمین عراق به اشغال نیروهای نظامی دو قدرت بزرگی درآمده که احتمالاً برای سراسر منطقه نقشه های ویژه ای را طراحی کرده اند و برآند تا دست به تغییراتی کلان بزنند، تغییراتی که می تواند بر مین مان نیز شدت تاثیر گذار باشد. از اینرو جنبه ملی ایران وظیفه مینست خود میداند تا از تمامی نیروهایی که منافع ملی را باور دارند و حفظ استقلال و یکپارچگی ایران و استقرار حاکمیت ملی را مهمترین هدفها در شرایط کنونی منطقه بشمار می آورند، بخواهد تا برای سامان دادن یک کمیته نجات ملی از شرایط بحران اعلام آمادگی کنند. باشد که بتوانیم ميهتمان را از غلغله شدن در ورطه ای فاجعه آمیز برکنار داریم.

جبهه ملی ایران
۲۶ فروردین ۱۳۸۲

سر نوشت دیکتاتور

با حرف، به دشمن قوی می نازید
زیرا همه نرد خودسری می بازید

صدام که بر قدرت خود می نازید
در بازی جنگ با حقارت بگریخت

ادیب برومند

مشکل بیکاری و برنامه های دولت

مشکل بیکاری در کشور شکنجی خلاصه خود گرفته است. در برنامه های اخیر توسعه کشور هدف این بوده که نرخ رشد اشتغال از نرخ رشد نیروی کار بیشتر باشد تا در میان مدت بیکاری به حداقل برسد. اما در عمل چنین نشده است. هر چند تعداد شاغلان در کشور همواره رو به افزایش بوده اما بهیچ وجه پاسخگوی نیاز جمعیت جوانی کار نبوده است. طبق آمار رسمی شمار بیکاران در سال ۱۳۷۵ در حدود ۱۲۰۰۰۰ درصد بوده است. در صد اخیر در سال ۱۳۸۰ به ۱۲۰۰۰۰ رسید. آمار اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ مرکز آمار ایران، درصد بیکاری را ۱۲۶ درصد اعلام کرده است. این رقم برای زنان ۱۷۶ درصد و برای مردان ۱۷۷ درصد ذکر شده است. البته آمار رسمی کم کاری و بیکاری پنهان را در نظر نمی گیرد. طبق آمار رسمی، در حالی که نرخ بیکاری مردان در سال گذشته کاهش یافته، نرخ بیکاری زنان افزایش یافته که متاثر از نرخ فرآینده رشد جمعیت فعال زنان در سالهای اخیر نسبت به مردان است، که خود از تحولات سالیهای پیشین در وضعیت اجتماعی، فرهنگی و بویژه تحصیلی زنان سرچشمه می گیرد. در واقع نرخ مشارکت زنان و به تبع آن نرخ بیکاری ایشان و نیز نرخ کل بیکاری به احتمال قوی از این هم بیشتر می بود اگر موقع فرهنگی که تا چند سال پیش از سوی دولت به شدت تبلیغ می شد و اثراتش هم همچنان موجود است و موجب ناامید شدن شمار زیادی از زنان از امکان یافتن شغل می شود در میان نبود. آمار اردیبهشت ۱۳۸۱ نرخ بیکاری نرد سنین ۱۵ تا ۲۲ و ۲۶۱۵ درصد ذکر می کند این رقم نرد زنان ۲۵۲ درصد ذکر شده است. بدون شک جمعیت جوان جوانی کار بیشترین مشکلات را در یافتن

شغل دارد. سهم بیکاران دارای تحصیلات بالا در کل بیکاران کشور رو به افزایش است. این امر بویژه در مورد زنان بیشتر صادق است. با توجه به هرم جمعیتی ایران عرضه نیروی کار در آینده نزدیک به طور فزاینده ای افزایش خواهد یافت و در صورت فقدان تمهیدات لازم موجب افزایش بی سابقه نرخ بیکاری (بویژه در میان تحصیل کردگان و زنان) خواهد گشت. مناسفاته دولت تاکنون نتوانسته برنامه منسجمی جهت پرداختن به این معضل بزرگ جامعه اتخاذ کند. از میان تمهیدات در نظر گرفته شده از سوی دولت می توان به طرح ضربتی اشتغال آسانگره کرد. بر طبق این طرح در صورتی که کارفرمای تعداد کارکنان خود را بر اساس ضوابط از پیش تعیین شده افزایش دهد می تواند از وام کم بهره دولتی استفاده نماید. میزان پوشش این طرح سیصد هزار شغل است که اعلام شده تاکنون در حدود درصد اهداف طرح به نتیجه رسیده است. اما اخبار غیر رسمی حاکی از آن است که در عمل به دلیل دقیق نبودن طرح و شاید عدم نظارت کافی میزان تقلب بسیار بالا بوده است. به این صورت که تعداد زیادی از کارفرمایان نتوانسته اند از تسهیلات دولتی بدون ایجاد واقعی شغل بهره گیرند. البته مفروض اصلی این طرح مینی بر امکان گسترش فعالیت واحدهای کسب با افزایش تعداد کارکنان و سرمایه گذاری جدید (آن هم در حدود ۳۰ میلیون ریال) نیز بدون شک نادرست است. از یک منظر گسترش فعالیتهای نگاهمهای متاثر از تقاضای برای محصولاتشان است که ارتباطی به تعداد کارکنان ندارد. میزان رقابت پذیری یا بهره وری نگاه هم با افزایش یک کارگر یا تزریق میزان کمی از سرمایه ارتقا نمی یابد تا ملا سهم بازار تولیدات واحد کسب بیشتر شود. در هر صورت به احتمال قوی تاثیر واقعی طرح ضربتی اشتغال بسیار محدود است.

باید دانست که مشکل بیکاری در ایران با برنامه های مقطعی درمان پذیر نخواهد بود. مشکل بیکاری در ایران متاثر از عوامل ساختاری است. کشور همچنان جهت رشد و به تبع آن ایجاد فرصتهای شغلی منگی بر تزریق درآمدهای نفتی - که دارای نوسان هستند و در هر صورت محدود - می باشد. برنامه های دولت بیشتر درون نگری بوده و بر تشکیل سرمایه های کلیدی بجای ارتقای بهره وری، رقابت پذیری، کارایی و در کل ارتقای توانیها تاکید داشته است. هر چند در مورد نیاز به گسترش صادرات غیر نفتی به عنوان موتور رشد و نیز لزوم جذب سرمایه های خارجی سخن بسیار گفته شده است. اما در عمل بدون اصلاح ساختار تولید در کشور و رفع واقعی موانع سرمایه گذاری خارجی، دستیابی به چنین اهدافی قابل حصول نبوده و نیستند. در نتیجه معضل بیکاری هم تحت چنین شرایطی نه تنها حل نخواهد شد که روز به روز ابعاد گسترده تر و نگران کننده تری خواهد یافت که می تواند برای جامعه فاجعه آفرین باشد.

نشریه پیام جبهه ملی ایران با کمک های مالی
شما هم اندیشان و خوانندگان گرامی اداره
می شود

نشریه داخلی
پیام جبهه ملی ایران

بایاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۸۱۵
E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com